

سُورَةُ الْأَحْزَابِ ۳۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا
﴿۱﴾

ای نبی! اندر صراط و راه دین پیروی بنما زِ الله با یقین
تو مشو تابع به کفارِ عنید هم منافق‌های ناهل و پلید
اوست ربّ‌العالمین، باشد علیم بر همه امرِ جهان نیز او حکیم
وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا
﴿۲﴾

پیروی کن ز آنچه کز پروردگار وحی آمد سوی تو بس آشکار
زان که هر کاری نماید بالمال آگه است از آن خبرِ ذوالجلال
وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا
﴿۳﴾

واگذار کارِ خودت در روزگار بر خداوندِ علیم، آن کردگار
بر مدد کافست، ذاتِ بی‌نیاز سرپرست و حافظ و هم کارساز
مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ ۚ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ ۚ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ۚ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ ۚ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ

بهر مردان نافرید ایزد دو دل که شود بر حق و ناحق متصل
 حق، زنتان را نخواند چون امّهات که کنید تحریمشان اندر حیات
 چون پسر دارد ز باب خود اثر نیست پسرخوانده به مانند پسر
 حرفتان در این موارد نارواست امر ایزد حق بود بی کم و کاست
 رهنمایی می کند حق در سبیل هادی باشد در امورات، هر قبیل

أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخوانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ ۚ وَ
 لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

وقتی فرزندخوانده را آرید خطاب والد ایشان بیارید در حساب
 بر پدرهاشان اگر خوانیدشان آن بود مقبول ایزد همچنان
 گر پدر مجهول بود و بی نشان چون برادرهای دین خوانیدشان
 بر شما نبود گناهی یا خطا گر ز جهل کردید کاری ناروا
 لیک اگر از عمد کردید این خطا می شوید مغضوب در نزد خدا
 حق رحیم است و ببخشاید غفور گر کسی توبه نماید زان قصور

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ
 فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ
 فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

هست نبی، والاترین بر مؤمنان از نفوسِ مردمان و مال و جان
 همسرانش محترم، چون مادرند بر شما و بر جمیع اُمّتند

جمعی از خویشان بر جمعِ دگر بس مقدّم بوده، هستند ارثِ بر
 ثبت گشته لوحِ محفوظ این چنین هم به قرآن و به آیاتِ مبین
 تا که هستند این قبیل خویشانان ارثتان نبوّد نصیبِ دیگران
 یعنی سهمی نیست دیگر این چنین بر مهاجر یا که برخی مؤمنین
 جز مگر آنچه وصیت کرده‌اید مالتان بر دوستان بخشیده‌اید
 از خدا این وجه، می‌باشد صواب ثبت و مسطور آمده اندر کتاب

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ
 وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا



یاد آور، که گرفتیم ما همی عهد و پیمانی زِ خود از هر نبی
 از تو و از نوح و هم از ابرهیم هم زِ عیسیٰ هم زِ موسای کلیم
 عهدی محکم گشت اندر اعتزاز بر رسولان جملگی شد کارساز

لَيَسْأَلُ الصّٰدِقِيْنَ عَنْ صِدْقِهِمْ ۚ وَاَعَدَّ لِلْكَافِرِيْنَ عَذَابًا اَلِيْمًا



تا بپرسند وقتِ آن از صادقین زان صداقت‌هایشان در راهِ دین
 همچنین بر کافرانِ بس پلید گشته آماده عذابِ بس شدید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا
 وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا



اهل ایمان! لازم است آرید یاد نعمتی کز رحمتش ایزد بداد
 بر شما چون چیره آمد لشکری ما فرستادیم بادِ صرصری
 از جنودی که ندیدید، شد مدد این چنین خیلِ جنود بود بی‌عدد

حق بود بینا به پیدا و نهان بر همه کردار و بر اعمالتان
 إِذْ جَاءُوكُمْ مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ
 وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا

﴿۱۰﴾

یاد آرید از زمانی که چه سان
 آن زمانی که ز زیر و هم زبر
 دیده‌ها وحشت‌زده، خیره بشد
 قلب‌ها آمد به لب با پیچ و تاب
 هر کسی از ظن خود می‌برد گمان
 هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا

﴿۱۱﴾

امتحان آمد ز خلاق این‌چنین
 مؤمنان پیروز گشته از یقین
 لیک تزلزل یافت برخی از قلوب
 آن ضعیفان، از ره جهل و ذنوب
 وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا

﴿۱۲﴾

پس منافق‌ها بگفتند از غرض
 قلبشان پر بود از شک و مرض
 که نیافت آن وعده‌ی یزدان ظهور
 آنچه را گفته نبی، نیست جز غرور
 وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا

﴿۱۳﴾

فرقه‌ای ناهل گفتند این بیان که نباشید اهل یثرب! در امان
ماندنتان هست اینجا پرخطر بازگردید سوی منزل زودتر
عذری آوردند آنکه بر رسول که بکن تو بازگشت ما قبول
بی‌حفاظ است خانه‌مان، یابد خلل این بهانه جمله گفتند از دغل
قصدشان لیکن همی بوده فرار چون نداشتند هیچ ایمان و قرار

وَلَوْ دَخَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الْفِتْنَةَ لَأَتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا

﴿۱۴﴾

گر هجوم آرند به ایشان ناگهان کافرانی که بوند در گردشان
دعوت کفار، آنکه بی‌درنگ جملگی آرند قبول از ترس جنگ
گر چه می‌یابند اندک مهلتی هست زمانی کوتاه و با خفتی

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا

﴿۱۵﴾

با خدا داشتند عهدی پیش از این که به میثاق استوارند اجمعین
عهدشان این بود کاندر کارزار رو نگردانند بر سوی فرار
هم از ایشان بازپرسند از عهد چون که مسئولند بر عهدی که بود

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا

﴿۱۶﴾

ای رسول! گو که از این کارزار گر ز ترس جان همی آرید فرار
نیست بر نفع شما این حيله‌ها کز اجل هرگز نمی‌یابید رها
هست اندک آن زمان و وقتتان تا که سرآید همی هنگامتان

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

ای رسول! گو که از امر خدا گر بخواهد بر شما آید بلا
یا اراده گر که بنماید اله که ز رحمت او ببخشاید پناه
کی تواند منع آرد خیر و شر؟ یا کند خواست خدا را بی اثر؟
نیست هرگز ناصری و یاوری جز مگر آن ذات پاک ایزدی

﴿ ۵ ﴾ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَ الْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا ۚ وَ لَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا

حق شناسد قوم بازدارندگان که به تعویق آورند اعمالشان
هم بگویند از سر مکرری شدید کای برادرها! به ما روی آورید
وارهید از سختی جنگ و جدال بهر کار خویش آرید اشتغال
یا کنند جنگ اندکی بالاتفاق از ریا و از تظاهر وز نفاق

أَشْحَهٗ عَلَيْكُمْ ۖ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۖ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسِّنَةِ حَدَادٍ ۖ أَشْحَهٗ عَلَى الْخَيْرِ ۚ أُولَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

خوف دارند این جماعت از قتال بینی در چشمان ایشان اختلال
چشم‌هاشان گردد اندر دور سر سوی تو آرند نظر، وقت خطر
گوئیا غش می‌نمایند بالمآل تا زمانی که رسد ختم جدال
وقتی گردد جبهه از دشمن تمیز با زبان آهنی و تند و تیز
بر طلب آرند غنیمت، از نبرد سهم خود خواهند آنکه فرد فرد
این جماعت نیستند یزدان پرست کرده حق اعمالشان باطل و پست
بر خداوند هست آسان این حساب که بشوید اجر اعمال در کتاب

يَحْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا ^ط وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوْا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ
يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ ^ط وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا

﴿ ۲۰ ﴾

بیم دارند که جنود دشمنان دور و بر باشند، نرفته از میان
گر بیاید دشمن از هر زاویه می دهند ترجیح، روند بر باده
نزد اعراب می شوند صحرانشین لیک خبر جمع آورند، کرده کمین
گر شوند هم‌رزمتان بر اتفاق می کنند اندک نبرد روی نفاق

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

﴿ ۲۱ ﴾

مقتدا از بهرتان باشد رسول آورید افعال نیکش را قبول
بر کسی که دارد امید و رجا بر لقای حق در آن روز جزا
هم نماید یاد ایزد دائماً بندگی حق کند او کاملاً

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ ^ج وَمَا
زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا

﴿ ۲۲ ﴾

تا که احزاب را بدیدند مؤمنان جمله گفتند وعدهی حق شد عیان
راست بوده وعدهی حق و رسول کاین خبر دادند بر ما بالاصول
بهر ایشان هم نشد چیزی زیاد جز مگر ایمان و صدق و انقیاد

مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ ^ط فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ
يَنْتَظِرُ ^ط وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا

﴿ ۲۳ ﴾

هست جوانمردانی اندر مؤمنین صدق آرند بر خداوند با یقین
 بوده‌اند محکم در پیمانشان عهد و میثاق با خدا و ربّشان
 هم بوند جمعی که اندر انتظار اعتقادی سخت دارند، استوار
 هیچ تغییری و تبدیلی عیان در عهود خود نمی‌آرند میان

لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
 غَفُورًا رَحِيمًا

﴿۲۴﴾

می‌دهد یزدان جزای صادقین از برای صدقشان و هم یقین
 می‌نماید لیک منافق را عذاب بهر غفلت هم جزای ناصواب
 یا اگر خواهد ببخشد امان می‌پذیرد توبه‌ی آن غافلان
 بر خلائق رحمتش باشد عمیم مهربان هست و غفور، ذاتِ رحیم

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا ۚ وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا
 عَزِيزًا

﴿۲۵﴾

حق تعالی، ذات ربّ العالمین طرد کرده کافران و مشرکین
 بی‌غنیمت آمدند از آن جدال ناامید و خائف و افسرده حال
 حق کفایت کرد کلاً اجمعین اندر آن جنگ از برای مؤمنین
 مقتدر باشد خدای کارساز او عزیز و پرتوان و بی‌نیاز

وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ ۖ فَرِيقًا
 تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا

﴿۲۶﴾

همچنین بودند از اهل کتاب یآوری کردند به کُفار، بی‌حساب

حق فرود آوردشان از آن حصار در درون قلعه‌ها گردیده خوار
ترسی آورد از شما در قلبشان هم هلاک بنمودید آنکه جمعشان
مابقی کردید اسیر با سوء حال از سپاه دشمنان و زان رجال
وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَّوُّهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا

﴿۲۷﴾

حق شما را داد میراثی چنین از دیار و مال در این سرزمین
هم نصیبتان زمینی شد تمام که نبودید اندر آنجا هیچ کدام
بر همه چیز ذاتِ یکتای خبیر هست قادر، هم توانا و قدیر
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِلْأَزْوَاجِ إِنِ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ
وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

﴿۲۸﴾

گو رسول! تو به همسرهای خویش
هم طلب آرید زینت‌های دون
مهرتان را می‌دهم من با نوا
همچنین با خلقِ نیکو، بی‌نزاع
گر متاعِ دنیوی خواهید بیش
سیم و زرهای فراوان گونه‌گون
هم شما را می‌نمایم نیز رها
می‌دهم از حقتان افزون متاع
وَإِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا

﴿۲۹﴾

لیک اگر طالب شوید بر کردگار بر رسول و آخرت در روزگار
اجر و پاداش بزرگی از خدا هست مهیا بهر خوبان شما
يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ
عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

ای زنان و همسرانِ مصطفی! سرزند گر از شما کارِ خطا
 زجرتان باشد مضاعف در عذاب عامداً گر که روید بر ناصواب
 بر خدا می‌باشد این تنبیه، سهل گر چه بودید با رسول الله، اهل

﴿ وَمَنْ يَفْتِنُ مِنْكُمْ لَئِنْ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴾

از شما هر یک که طاعت ورزد او از پیمبر، همچنین از ذاتِ هو
 گر کند اعمال صالح، پس دهیم اجر او را ما مضاعف در نعیم
 هم ببخشیم بهر او اندر جهان روزی وافر و رزقِ بی‌کران

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ ۚ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي
 قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا

ای شما زن‌های پیغمبر! یقین مثل زن‌های دگر نیستید به دین
 پس پرهیزید هنگام سخن نازک و با ناز، نگشایید دهن
 تا نبندد کس طمع از آن کلام آن که دارد در دلش اغراضِ خام
 بلکه صحبت آورید پیش، استوار محکم و آرام بگویید، باوقار

﴿ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ۚ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ
 اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾

هم بمانید خانه و گیرید مقام برقرار باشید اندر روز و شام

زینت و زیور نسازید آن چنان که بکردند جاهلانِ آن زمان
 هم به جا آرید در وقتش صلات گه ز مال خود ببخشایید زکات
 نیک اطاعت آورید اندر اصول از خداوندِ مجید و هم رسول
 هست اراده این چنین از کبریا که کند زایل پلیدی از شما
 چون که اهل بیت هستید بر نبی از تباهی پاکتان سازد همی

وَأَذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا

﴿۳۴﴾

همسرانِ مصطفیٰ! یاد آورید زانچه در خانه ز آیات بشنوید
 پند گیرید از همه آیاتِ حق که همه حکمت بود اندر نسق
 هست اندر هر امور در روزگار نکته بین و هم خبیر پروردگار

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ
 وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَ
 الصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَ
 الذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

﴿۳۵﴾

در حقیقت مرد و زن از مسلمین هم چنین مرد و زنان از مؤمنین
 مردها و هم زنان از عابدان هم زن و مردان ز جمع صادقان
 مرد و زن ها باشکیب، از صابریں از خداترس، مرد و زن ها، خاشعین
 آن زن و مردِ نکو، مسکین نواز روزه داران مرد و زن، اهل نماز
 مرد و زن ها حافظینِ شرمگاه که نگه دارند خویشتن از گناه
 ذاکرانی که کنند یاد بی شمار مرد و زن، از حضرتِ پروردگار
 سهمی دارند از خداوند کریم که بود از بهرشان اجری عظیم

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا

نیست جایز بهر جمله مؤمنان گر که مرد باشند یا که از زنان
زانچه فرموده خداوند و رسول اختیار ورزند که بنمایند عدول
هر که سرپیچد ز امر کردگار بر ضلالت می‌رود او آشکار

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفَى فِي
نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ ۖ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا
زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا ۚ
وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

ای نبی! زان مرد می‌آور به یاد که بسی نعمت خدا بر او بداد
هم نکویی‌ها نمودی تو به او پندها دادی و کردی گفتگو
که نگهدار نیک، نزدت همسرت هم بترس از حق و بنما مرحمت
کردی پنهان حسّ خود را از همه از هوای نفسِ خویش در واهمه
بودی دلواپس ز گفتِ مردمان لیک آن حس را خدا بنمود عیان
بود سزاوارتر بر حق بی‌گمان که فقط ترسی ز ربّ دو جهان
تا که آن مرد بعدِ آنکه کام یافت کرد رها آن همسر و آرام یافت
بعد که شد آن زن، از همسر جدا همسر تو گشت از لطفِ خدا
تا بدانند بعد از این نیز مؤمنان که حلال بنمود خداوند جهان
که اگر داشته پسرخوانده کسی لیک جدا گشته ز همسر او همی
می‌توان آن زن، بر منزل برند با نکاحی همسر و شوهر شوند
این‌چنین فرمان، بود از ذوالجلال که شود انجام، این امر بالمآل

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ ۖ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ ۚ وَكَانَ
أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا

بهر پیغمبر نباشد این گناه چون که گردیده مقرر از اله
بهر اقوام این چنین بود ماسبق هر چه بوده سنت و فرمان حق
حکم یزدانی بود روی حساب قاطع و سنجیده، در عین صواب

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا

﴿۳۹﴾

آن کسانی که همانندِ رسل کرده ابلاغ، امر حق اندر سبُل
که بترسند مردم از پروردگار لیک نترسند نیز ز غیرِ کردگار
هست کافی ذات پاک ذوالجلال در رسیدن بر حساب، حدِّ کمال

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

﴿۴۰﴾

نیست محمد بر شما مردم، پدر یعنی در مردان نباشد زو پسر
لیک باشد خاتم پیغمبران بعد او نبود پیمبر در جهان
هست آگه ذات پاک ایزدی بر همه چیز، او ز علم سرمدی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا

﴿۴۱﴾

اهل ایمان! ای گروه مؤمنان! ذکر ایزد را نمایند بی کران

وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

﴿۴۲﴾

و به تسبیح آورید او را مدام دائماً در صبحگاه و وقتِ شام

هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ
رَحِيمًا

﴿٤٣﴾

اوست همان ذاتِ خداوند و دود می‌فرستد با ملائک، حق درود
بر شما مخلوقِ خود گوید سلام از ره الطاف و اکرامی تمام
تا کند خارج شما را جملگی از سوی ظلمت به نورِ بندگی
مهربان است حق تعالی بی‌کران بر هر آن کس که بود از مؤمنان

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ ۚ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا

﴿٤٤﴾

این درود در روزِ دیدار و لقا چون سلامی آید از یکتا خدا
هم نکو مزدی ببخشاید رحیم از خداوند است آن اجرِ کریم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

﴿٤٥﴾

ما فرستادیم تو را اینک نبی! که گواه باشی به اُمّت‌ها همی
تا ببخشی مرده‌ها بر مردمان هم بترسانی زِ فرجامِ جهان

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا

﴿٤٦﴾

تو شدی دعوت‌کننده بر خدا این اجازه بوده از حق و بجا
چون چراغ روشنی بر اهدنا هادی گشتی و پیمبر، رهنما

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَن لَّهُمْ مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا

مژده‌ها ده، ای نبی! بر مؤمنان فضلِ والایی ز حق هست بهرشان
وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعِ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا

هم مبر فرمان ز کفارِ عنید همچنین اهل نفاق، قومِ پلید
لیک ببخشای و مده آزارشان انتقام هم نیز نگیر از جمعیان
واگذار کارِ خودت در روزگار بر خداوند علیم، آن کردگار
بر مدد کافست ذاتِ بی‌نیاز سرپرست و حافظ و هم کارساز
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

ای گروه مؤمنان! گر از صلاح با زنی مؤمن، بنمودید نکاح
گر بخواهید که دهید او را طلاق گر هم آغوشی نگشته اتفاق
پس زمانِ عده و آدابِ آن نیست واجب بهر این‌گونه زنان
بهره‌مندشان نماید زین سبیل هم جدا گردید ز همدیگر، جمیل

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَ اللَّاتِي آتَيْتَ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ
اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ
وَأَمْرًا مُؤْمَنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ
الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ
حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

گر که دادی مهریه از وجه و مال
از کنیزان در جهاد و در جدال
بر نکاح با تو حلالند موبه‌مو
نیز حلالند بر نکاحت بالیقین
در ره حق کرده هجرت بالمال
که شود بی‌مهر، همسر بر رسول
بوده مقبول خداوند هم همی
از برای تو رسولا! آشکار
آنچه مذکور آمده اینجا چنین
از برای مؤمنین آورده پیش
از سوی الله می‌بوده همی
امر یزدان قطعی و باشد صلاح
هم رحیم بهر خلاق بی‌شمار

بر تو بنمودیم نبی! همسر، حلال
زانچه را گشتی تو مالک بالمال
دختر عمّه و دخت‌های عمو
دختر خاله و دای هم‌چنین
از مهاجرها بگردید نیز حلال
هر زن مؤمن که بنماید قبول
گر قبول بنماید او را نیز نبی
این‌چنین حکم آمد از پروردگار
آن روا نبود به دیگر مؤمنین
شرح آیات نکاح بی‌کم و بیش
این‌چنین احکام برای تو نبی!
که حرج بر تو نباشد در نکاح
هست غفور و مهربان پروردگار

﴿تُرْجَى مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَتُؤْوَى إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمِنْ ابْتِغَايَةِ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا﴾

﴿۵۱﴾

تو مُجاز در انتخابی بی‌گمان
تا بخوانی نزد خویشان، دیگری
آن که رانده بودی از خود مدتی
گر بخوانی نزد خود یا رانی دور
گر محبت ورزی بر او روی حق
کاین بود بهتر یقیناً، مردِ رادا!
شادی بخشی بر زنان بالاتفاق
زانچه را اندر قلوب دارید نهان
هم بود صابر، خدا در روزگار

ای رسولا! در خصوص همسران
گر بخواهی دور سازی همسری
نوبت بعد، جا دهی و مهلتی
بر تو نبود هیچ گناهی و قصور
همسری که بوده بر قهر مستحق
دیده‌اش روشن نمایی نیز شاد
تا نگردند جمله محزون در وثاق
هست آگاه، خالق هر دو جهان
هست دانا و علیم پروردگار

لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا

﴿۵۲﴾

ای نبی! بیشتر از این نبود مباح
همچنین نبود مجاز از این زمان
گر که از حسن زنی گشتی شگفت
جز کنیزی که تو را گشته نصیب
همسری دیگر بیاری در نکاح
همسری آری بدل نیز با زنان
بر تو دیگر نیست مباح او را گرفت
حق به هر چیز قادر و باشد رقیب

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَّا هُمْ
وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنَسِينَ لِحَدِيثٍ ۚ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ
يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ ۖ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ ۚ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا
فَأَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ۚ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ ۚ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ
اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا ۚ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا

﴿۵۳﴾

مؤمنان بر ذات یکتای اله!
در سرای منزل و بیت رسول
گر اجازه داده او بهر طعام
زودتر از موعد نیایید بر غذا
تا که خوردید از غذا و از طعام
نه که بنشینید اندر بیت او
این دهد آزار بر ذات نبی
لیک خدا شرمی نمی آرد به جا
چون بخواهید مطلبی در آستان
از ورای پرده، برخوانیدشان
این حجاب لازم بود بر قلبتان
سرزده وارد نگردید هیچ گاه
جز مگر دارید اجازه بر دخول
که خورید با وی غذای بار عام
جز همان وقتی که باشد مقتضی
با وداعی دور شوید از آن مقام
بحث و صحبت ها کنید و گفتگو
شرم آرد که بگوید مطلبی
حرف حق بی پرده می گوید خدا
از زنان مصطفیٰ و همسران
مطلب خود را بیارید بر زبان
همچنین از بهر دل های زنان

بر شما هشدار می‌دهم که نبی را ناورید و نه خود آزار رسول‌الله کنید
 نه نکاح زوجه‌اش هرگز کنید
 گر نبی رفت از جهان بر اتفاق
 یا زنی را در حیات داده طلاق
 همسرانش در نکاح نارید شما
 که گناهی هست عظیم نزد خدا

إِنْ تَبْدُوا شَيْئًا أَوْ تَخْفَوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

﴿۵۴﴾

گر که چیزی را بنمایید بر ملا
 یا بخواهید که بنمایید در خفا
 هست آگاه، کردگار بر کلّ شی
 نیست مخفی هیچ چیزی بهر وی

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِمْ فِي آبَائِهِمْ وَلَا أَبْنَائِهِمْ وَلَا إِخْوَانِهِمْ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِمْ وَلَا أَخَوَاتِهِمْ وَلَا نِسَائِهِمْ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ ۚ وَاتَّقِينَ اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا

﴿۵۵﴾

نیست باکی و گناهی بهر زن
 بی‌حجاب آید به اهل خویشتن
 در حضور والد و اولادشان
 هم برادر، هم برادرزادگان
 نزد خواهرزاده‌هایش همچنین
 هم زنان مؤمنه و اهل دین
 آنچه را مالک شده، هر چیز هست
 از کنیزانی که آورده به دست
 لازم است ترسید از پروردگار
 او بود شاهد به هر چیز، آشکار

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

﴿۵۶﴾

می‌فرستد ذاتِ یکتای و دود
 هم‌ره خیل ملائک بس درود
 بر نبی، آن خاتم پیغمبران
 با سلام و با درودی بی‌کران
 پس درود آرید بر او، مؤمنان!
 با سلامی از سر تسلیمتان

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا

هر کسی که بر خدا و بر رسول می‌کند آزار از جهل و عدول
لعنت حق می‌شود بر او عیان اندر این دنیا و هم در آن جهان
بهرشان گردد مهیا سخت عذاب در سرای آخرت از آن عقاب

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كُتِبَ لَهُمْ فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

هر کسی بر مؤمنین و مؤمنات او دهد آزارشان از هر جهت
وقتی بی‌تقصیر بوده مؤمنان لیک بُهتان آورند از بهرشان
زین خطایا و گناه، آن جاهلان می‌کشند بر دوش خود بارِ گران

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ۚ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

ای پیمبر! گو به زن‌هایت چنین هم به دخترهای خود نیز اجمعین
هم به زن‌هایی که هستند مؤمنه کاین بود از امرهای لازمه
که بپوشانند خود اندر حجاب در میان جمع و در وقتِ ذهاب
تا شوند مشهور بر ستر و عفاف از تعرض وارهند و از خلاف
این‌چنین محفوظ مانند از خطر از نظرهای پلید و پُر زِ شر
حق تعالی هست غفور و مهربان بر همه مخلوق خود اندر جهان

﴿ ۵۹ ﴾ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا

آن دورویانِ پلیدِ بالاتفاق
هم گروهی که به دل دارند مرض
که جمیع مؤمنین را زین مکان
برندارند گر که دست از کارِ زشت
تا به جز کوتاه زمانی زین دیار
تا تو دیگر هیچ نباشند هم‌جوار
برندارند گر که دستان از نفاق
شایعه سازند به شهر روی غرض
مضطرب سازند ز دستِ کافران
غالبت سازیم به قومِ بدسرشت
ملْعُونِينَ اَيْنَمَا تُقِفُوا اخِذُوا وَقْتًا تَقْتِيلًا

﴿۶۱﴾

لَعْنَتِ حَقِّ بُوْدِه بر ایشان مزید
این منافق‌پیشگانِ بس پلید
هر کجا پیدا شدند و گشته یافت
لازم آمد بر قتالشان شتافت
سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا

﴿۶۲﴾

این‌چنین حکم سنتی بوده زِ حق
از زمان‌های قدیم و ماسبق
سنت حق هر چه بوده در جهان
نیست هیچ تغییر و تبدیلی در آن
يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا

﴿۶۳﴾

از تو می‌پرسند رسولا! مردمان
گو، که علمش نزدِ حق باشد و بس
تو چه دانی، ای رسولا! حکمتش
ساعتِ روزِ قیامت را عیان
بر چنین علم نیست آگه هیچ کس
چه بسا نزدیک بود آن ساعتش
إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا

﴿۶۴﴾

کافران را لعن فرمود کردگار بهرشان باشد مهیا سوزِ نار
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ط لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

﴿۶۵﴾

جاودان مانند در دوزخ اسیر هیچ نجویند یآوری یا که نصیر
يَوْمَ تَقْلَبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ

﴿۶۶﴾

اندر آن روز بازگردد رویشان رو به آتش از سر و از پایشان
هم بگویند کاش! می‌کردیم قبول آن فرامینِ خدا و هم رسول
وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا

﴿۶۷﴾

پس به حالِ زار گویند، ای خدا! راه رهبرهایی رفتیم پرخطا
هادی ما چون که بود از جاهلان بر ضلالت ما رسیدیم جاودان
رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَّهُمْ لَعْنَا كَبِيرًا

﴿۶۸﴾

بهر رهبرهای فاسد، ذوالجلال! کن مضاعف تو عذاب را بالمآل
لعنت باد! بر این قوم پلید لعنتی هم بس بزرگ و هم شدید
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا

﴿۶۹﴾

مؤمنان! هرگز نباشید چون کسان که به موسی^۱ داده آزارها چنان
 پس منزّه ساخت او را نیز خدا زانچه در حقّش بگفتند ناروا
 همچنین بود او مقرب نزد حق بر چنین لطف خداوند مستحق

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا

﴿۷۰﴾

اهل ایمان! پس بترسید از خدا حرف حق گوید محکم، هر کجا
 یصلح لکم اعمالکم و یغفر لکم ذنوبکم^۲ و من یطع الله و رسوله فقد فاز فوزاً عظيماً

﴿۷۱﴾

تا به اصلاح آورد اعمالتان هم بیمارزد گنه از فعلتان
 آن که فرمان می برد اندر اصول از خداوند جهان و هم رسول
 می شود مشمول خیرات عمیم رستگار گردد در حدی عظیم

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا
 وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ^۳ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا

﴿۷۲﴾

عرضه داشتیم ما امانت در کمال بر زمین و آسمانها و جبال
 امتناع کرد ممکنات و کائنات از چنین بارِ گران گردیده مات
 تا پذیرفت آن امانت، آدمی که تحمل آورد در هر دمی
 گر چه آدم نیز شود از ظالمان هم بگردد گمره و از جاهلان

لَيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
 وَالْمُؤْمِنَاتِ^۴ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

﴿۷۳﴾

تا منافق‌پیشگان از مرد و زن
بهر ایشان ذاتِ پاکِ کردگار
هم ببخشاید زِ فضلش هر جهات
هست بخشنده خداوند در امور

که دورو هستند، اندر شک و ظن
بر عذابِ قهر خود گیرد قرار
مردِ مؤمن هم زنانِ مؤمنات
او رحیم و بهر مخلوقش غفور